



«وضعیت سفید» ضمن جدی بودن، دارای رویکردی طنزآمیز و شیرین است. به خصوص محور قرار گرفتن کاراکتری به نام امیر که نوجوانی ساده دل و پرشور و احساساتی است و رفتارها و حرکاتش خمیرمایه کمدی بودن این سریال را فراهم کرده است

فاجعه

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم  
شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱ • شماره ۸۲۰

سیمای

به بهانه بازپخش سریال «وضعیت سفید» از شبکه افق

## روزهای به یادماندنی

سعید رضایی  
خبرنگار

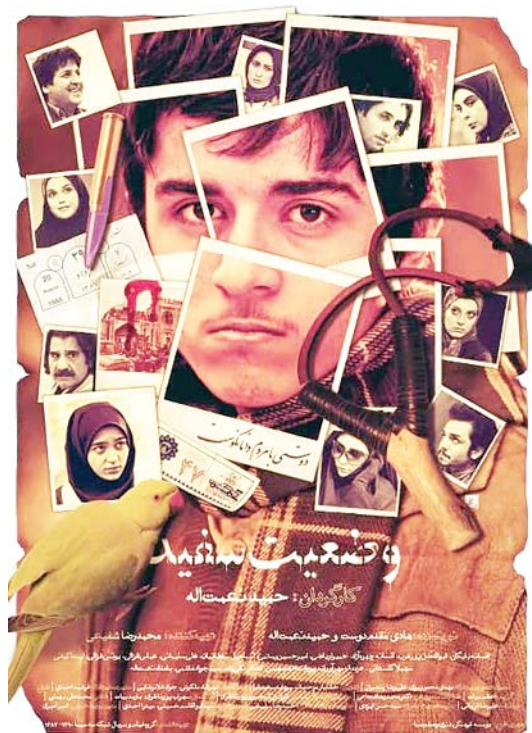
مجموعه «وضعیت سفید» به کارگردانی حمید نعمت‌آ... یکی از مجموعه‌های تلویزیونی به یادماندنی است که اولین بار در سال ۱۳۹۰ پخش شد. این سریال اکنون از شبکه افق سیما در حال بازپخش است.

وضعیت سفید روزهای پایانی جنگ تحمیلی را در قالب گردهمایی گروهی از اقوام و خویشان و نزدیکان در مکانی خارج از شهر به تصویر کشیده است. آنچه در این مجموعه نمایشی محور درام قرار گرفته، جمع تضادهاست. یعنی آدم‌هایی که با وجود پیوند فAMILI و خویشاوندی، با هم تعارض دارند و قهر هستند اما در عین حال، وحشت از موشک باران دشمن و غریزه حفظ حیات، آنان را به هم نزدیک کرده است. روند داستان، گویای آن است که این وضعیت تغییر خواهد کرد و می‌توان انتظار داشت که این طایفه رفته رفته در مأمن و مجمعی که برای خود فراهم کرده‌اند، به سمت دوستی و آشتی حرکت کنند. به همین دلیل سریال وضعیت سفید را با این‌که از جبهه و خط مقدم دور است، باید به طور قطعی و مسلم یک سریال با تم دفاع مقدس محسوب کرد. آنچه در این سریال پدیدار شده، روح صلح طلبانه و انسانی مقاومت مردم ایران در برابر جنگ تحمیلی است. این نوع داستان پردازی، در همان حال که این کار تلویزیونی را از خطر سقوط در پرتگاه شعارزدگی حفظ نموده اما با زبانی ساده و روشن، وحدت و نزدیک شدن یک طایفه متفرق را تحت تأثیر دفاع مقدس نشان می‌دهد. ضمن این‌که اشارت‌های فراوانی هم طی داستان درباره کمک‌ها و پشتیبانی‌های مردم از رزمندگان می‌شود. مثل همیاری مردم یک محل برای تهیه مربای گل سرخ و ارسال آن به جبهه که بازهم استفاده از عنصر گل سرخ در پیوند یافتن مردم پشت جبهه و رزمندگان حاضر در خط مقدم، تأکید بر عشق و پاکی است.

نکته قابل تأمل این است که در این سریال تا حد ممکن ماجراها و اتفاقاتی هدف قرار گرفته که در سال‌های موشک باران تهران برای بسیاری دیگر از ساکنان این شهر اتفاق افتاده بود. به همین دلیل وضعیت سفید برای نسل‌های قبلی خاطره‌انگیز و یادآور گذشته است و برای نسل‌های جدید، متن تصویری قابل اطمینانی جهت شناخت فضای اجتماعی و مردمی آن دوران است. به ویژه این‌که سریال وضعیت سفید رویکردی مردم‌شناختی دارد. تقریباً همه نشانه‌های زندگی مردم در لایه‌های مختلف اجتماعی آن دوران را می‌توان در این سریال دید. از کلی‌ترین موضوعات و اتفاقات مثل جنگ و پایداری مردم و

پناه بردن و تلاش برای نجات از موشک باران دشمن متجاوز تا جزئی‌ترین مسائل نظیر لحن سخن و نوع پوشش و بازی‌ها و سرگرمی‌های مردم در آن پدیدار شده است. وضعیت سفید موفق‌ترین فیلم و سریال سال‌های اخیر ایران در زمینه بازنمایی و بازسازی تصویری دهه ۱۳۶۰ خورشیدی است. معمولاً فیلم‌ها و سریال‌هایی که به آن دوران می‌پردازند، به دلیل تغییر و تحولاتی که در جامعه انجام شده، اشتباهات فراوانی را مرتکب می‌شوند و گاهی چیزهایی را وارد قاب تصویر می‌کنند که آن زمان اصلاً وجود خارجی نداشته اما در این سریال، تطابق کامل رعایت شده است. برای بازسازی تصویری گذشته در این سریال تنها به فیزیک و اشیاء و ساختارهای مادی و ظاهری اکتفا نشده است. بلکه خلقیات، روحیات، طرز تفکرات، گویش‌ها و همه مسائل و زوایای کلی و جزئی را در برگرفته است. به همین دلیل می‌گوییم که وضعیت سفید یک فیلم مردم‌شناختی محسوب می‌شود. اگر کمی دقت و تعمق کنیم، می‌توانیم اغلب ویژگی‌ها و شاخصه‌های زیستی بخشی از مردم، خاصه مردم تهران و حواشی آن را در این سریال بازخوانی کنیم. عناصر و شاخصه‌هایی که بسیاری از آنها در جامعه امروز مامنسوخ شده است. به عنوان مثال، یکی از سرگرمی‌های رایج کودکان و نوجوانان در آن دوران بهره بردن از پدیده‌ای به نام «آتاری» بود. همچنین تماشای برخی از برنامه‌های تلویزیونی که در آن زمان بالذت و جذابیت وافر همراه بود اما به احتمال زیاد، بچه‌های امروز علاقه چندانی به این گونه برنامه‌ها ندارند. از این منظر، سریال وضعیت سفید یک فیلم تاریخی هم محسوب می‌شود. چون با تماشای آن می‌توان به بسیاری از ابعاد و زوایای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران در اواسط دهه ۱۳۶۰ پی برد. به خصوص برای نسل‌های آینده که نسبت به نسل کنونی ذهنیتیเบیدتر را درباره آن دوره از تاریخ کشورمان خواهد داشت. این نوع درام پردازی منجر به ایرانی شدن وضعیت سفید شده است. تا آنجا که فرهنگ بومی و ملی مردم کشورمان در یک مقطع خاص زمانی و مکانی به خوبی در آن پدیدار شده است. ایرانی بودن هم در فرم این سریال نمود یافته و هم در محتوایش. موسیقی متن، نمایندگی (دکوپاژ) شخصیت پردازی، ریتم و... با مضمون پرداخته شده در این مجموعه هماهنگ و همراه است.

وضعیت سفید ضمن جدی بودن، دارای رویکردی طنزآمیز و شیرین است. به خصوص محور قرار گرفتن کاراکتری به نام امیر که نوجوانی ساده دل و پرشور و احساساتی است و رفتارها و حرکاتش خمیرمایه کمدی بودن این سریال را فراهم کرده است. سریال وضعیت سفید با این حال خالی از اشکال نیست و با



وجود ریتم تند تصویری، ضربه‌نگ داستان بسیار کند است. به طوری که طی چندین قسمت حوادث به طور دائم و چرخشی تکرار می‌شوند. در هر قسمت می‌توان نماهای اضافه فراوانی را یافت. به طوری که با حذف برخی صحنه‌ها و پلان‌ها هیچ کمبود و خللی وارد کار نمی‌شود و فقط به کوتاه و تلخیص آن منجر می‌شود. شلوغ بودن فضای داستان و پراکندگی بسیار زیاد هم از دیگر ایرادهای روایت این سریال است. به طور کلی وضعیت سفید فراز و فرودهای داستانی محدود و کم‌رنگی دارد و کارگردان سعی کرده تا خلأهای داستانی را از طریق ریتم تند تصویری و نمایش قاب‌های زیبا جبران کند.

وضعیت سفید نشانه خوبی برای مدیریت سیماست. نشانه‌ای مبنی بر قابلیت بسیار بالای دفاع مقدس برای جذب مخاطب. با این سریال، حتی آن دسته از مخاطب‌هایی هم که تمایلی به دیدن و شنیدن ماجراهای دفاع مقدس ندارند، به آن جذب شده و حتی اگر هم نخواهند، نمی‌توانند از آن دست بردارند. آنچه در سریال وضعیت سفید جریان دارد، لازمه همه فیلم‌ها و سریال‌های ارزشی است. یعنی با تقدیر به ارزش‌ها و بدون استفاده از انحراف و ابتذال، همه مردم را پای تماشای حرف‌ها و پیام‌های عمیق و بزرگ خود بنشانیم.

## نظر سعید مستغاثی، منتقد سینما درباره سریال وضعیت سفید

جنگی ناگزیر بایستی مدتی را در کنار هم و در باغ مادری خود زندگی کنند. «وضعیت سفید خنده و گریه و قهر و آشتی و آمد و رفت و صداقت و دروغ‌گویی و بداخلاقی را با هم دارد. گاه آن بداخلاقی‌ها به جایی می‌رسد که مادر از باغ فرار می‌کند و گاه همدلی‌ها در آن حدی می‌شود که همه برای نوزاد از راه رسیده، دشمنی‌ها و دلخوری‌ها و درگیری‌ها را از یاد برده و برای یکدیگر از جان هم مایه می‌گذارند. تضادهای روحی و عملی یعنی آنچه اساس بسیاری از ناپهنجاری‌های جامعه و بافت‌های زیرین و نهادهای اصلی آن به شمار می‌رود، به خوبی از دل آن ماجراها و فراز و نشیب‌ها، خود را نشان می‌دهد.

خواهری که مدت‌هاست با خواهر دیگر قهر است (معلوم نیست برای چه؟) ولی برای فراقش اشک می‌ریزد و برادری گرچه سال‌هاست با برادرش قهر است اما برای نجاتش، خود را به آب و آتش می‌زند و بیزن که فقط به دنبال منافع خود بوده، حالا غرورش را می‌شکند و احترام عاصی از فک و فامیل، همه را در خانه‌اش مهمان می‌کند و امیر به قول اهالی خانواده، خل و چل و دیوانه، کم‌کم بزرگ می‌شود و مابین بزرگ شدن او را لحظه به لحظه و قدم به قدم به شکل کاملاً بطنی و نامحسوس نظاره می‌کنیم. او تحت تأثیر مادر بزرگ و احمد، شوهر خواهرش که از رزمندگان است و مجروح شده و بیش از همه دوستش شهاب (که شهید می‌شود) رشد

در سریال وضعیت سفید همه چیز تقریباً تکمیل است. از قصه‌گویی جذاب و شخصیت پردازی‌های دلنشین و شوخی‌های خاص نعمت‌آ... و هادی مقدم دوست گرفته تا صحنه پردازی و دکوپاژ بسیار حسی و در عین حال دقیق و موسیقی و تدوین و ریتم و صداها و صحنه و حاشیه صحنه و... و بازی‌ها که به جز یکی دو مورد (که آنها هم در میان قوت بازی‌های دیگر دیده نمی‌شود) قابل قبول و تماشایی است.

«وضعیت سفید» قصه‌ای از دهه ۶۰ است ولی به امروز ما نیز دقیقاً مرتبط می‌شود. یک خاطره بازی برای دهه هشتی‌ها و یک قصه نیمه پیرانی برای امروزی‌ها که کمتر ماجراهای پیرانی را دیده و شنیده‌اند. ولی این یکی خیلی واقعی است، به واقعیت همه شخصیت‌هایش که نسل ما دید و لمس کرد و نسل امروز نیز در پدران و پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایش می‌بیند و درک می‌کند. وضعیت سفید شاید تنها اثر تصویری باشد که مفهوم این جمله امام که «این جنگ ثمرات بزرگی برای ما داشته است» را در عمق تصاویر و روایتش بیان می‌کند. فیلم با خاندانی از هم پاشیده و آشفته آغاز می‌شود که به قول امیر (شخصیت اصلی سریال) در یکی از صحنه‌های قسمت اول، ۳۵ نفرشان با هم قهر هستند! و حالا این خاندان بنا به شرایط



سعید مستغاثی  
منتقدساز و  
کارشناس سینما



می‌کند و بزرگ می‌شود تا از آن امیر خل و چل به امیری تبدیل شود که به جبهه می‌رود (اگرچه به آخرش می‌رسد و نمی‌جنگد) و برای سر و سامان گرفتن دوستش ناصر (که همواره با او درگیر بود)، به اصطلاح آستین بالا می‌زند و خودش درس می‌خواند و خانه را برای عروسی تمیز می‌کند و سرانجام کلیشه تصویر شهاب شهید را روی پیراهنش حک می‌کند. در واقع همه خاندان گلکار در طول آن شرایط جنگی بزرگ می‌شوند تا اختلافات بی‌پایه و اساس را کنار بگذارند و قدر همدیگر را بدانند، اگرچه خسارت هم می‌بینند و خرد می‌شوند و شهید و مجروح هم می‌دهند اما در پایان جنگ دیگر آن خانواده فروپاشیده قبلی نیستند.